



Non-cooperation of the promisee in breach of contract in Iranian and European law

Mohammad Taghi Rafiei *  Associate Professor, Faculty of Law, Farabi School, University of Tehran

Seyed Hossein Hejazi  Ph.D. student of Private Law, Aras International Campus, University of Tehran

Abstract


When a contract is not entered into the implementation stage or in the implementation of the work, it stops or does not comply with the contractual terms and conditions and the agreed specification is diverted, the magistrate at the beginning, the arrow is committed to understand and ask him about the breach of commitment and the cause of its deviation from the terms of the contract, so that one can predict his conviction from the beginning. In Iran's law, it is less attentive that the violation of the Treaty may be disabled for non-cooperation of the obligee, while the implementation of qualifier commitment may be on his cooperation. Where the obligee would have to deliver the project's location to establish a workshop, or the client will submit the principles of documents, information and witnesses' names, or the disease that should be carried out by the doctor before the surgery, all the anath of the implementation of a commitment to the Obligee's cooperation. This cooperation can sometimes be defined as a verb, leaving the verb, submitting the goods or documents, providing services and information, resulting in a lack of cooperation, a contract with a challenge and a bug. Rationals and will logically and the implementation of the contract shall be subject to the obligee's cooperation, but the question is to mind whether this cooperation should be stipulated in the contract or a marriage is concluded or is considered as a contract of marriage and customary equipment. Unlike Iran's legal and judicial literature, the role of the obligee cooperation in European countries' rights and European legal documents has been approved and various works have been predicted for his non-cooperation. In this paper, in addition to the legal foundations of such a commitment, the various legal effects of its breach are investigated so that the sum of them can be explained most of the role of this cooperation.


Keywords: Commitment of cooperation, Obligee, committed, breach of contract.

* Corresponding Author: rafiei@ut.ac.ir

How to Cite: Rafiei, M. T., & Hejazi, S. H. (2022). Non-cooperation of the promisee in breach of contract in Iranian and European law. *Private Law Research*, 10(39), 39-72. doi: 10.22054/jplr.2022.58197.2520

عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا

محمد تقی رفیعی*  دانشیار دانشکده حقوق دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران

سیدحسین حجازی  دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران

چکیده

هنگامی که قراردادی به مرحله اجرا وارد نمی‌شود و یا در اثنای اجرا، متوقف می‌گردد و یا اجرای آن با شروط و اوصاف قراردادی مطابقت نداشته و از خصوصیات مورد توافق منحرف می‌گردد، دادرس در ابتدا، مسئولیت را متوجه متعهد دانسته و از او در باره نقض تعهد و علت انحراف آن از شرایط قرارداد سؤال می‌نماید، به گونه‌ای که می‌توان محکومیت وی را از ابتدا پیش‌بینی نمود. در حقوق ایران به این احتمال که ممکن است نقض قرارداد معلول عدم همکاری متعهدله باشد کمتر توجه شده است، در حالی که ممکن است اجرای تعهد فرع بر همکاری وی باشد. در جایی که متعهدله باید محل پروژه را تحویل پیمانکار دهد تا وی اقدام به تأسیس کارگاه نماید یا موکل اسناد، اطلاعات لازم و اسامی شهود را تسلیم و کیل نماید و یا بیماری که قبل از انجام عمل جراحی باید دستورات پزشک را اجرا نماید، همگی نشان از اناطه اجرای تعهد به همکاری متعهدله دارد. این همکاری گاهی به انجام فعل، ترک فعل، تسلیم کالا و یا اسناد، ارائه خدمات و اطلاعات می‌تواند تعریف شود و در نتیجه عدم همکاری، قرارداد با چالش و اشکال مواجه گردد. از نظر عقل، عرف و منطق حقوقی، اجرای قرارداد منوط به همکاری متعهدله است، ولی این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا این همکاری باید در قرارداد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن منعقد شده باشد و یا از لواحق و لوازم عرفی عقد به‌شمار آید؟ بر خلاف ادبیات حقوقی و رویه قضایی ایران نقش تعهد همکاری متعهدله در حقوق کشورهای اروپایی و اسناد حقوقی اروپا مورد تصریح واقع شده و آثار متفاوتی برای عدم همکاری وی پیش‌بینی شده است. در این نوشتار، ضمن اشاره به مبانی حقوقی چنین تعهدی، آثار مختلف حقوقی نقض آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از مجموع آنها بتوان بیشتر نقش این همکاری را تبیین نمود.

کلیدواژه‌ها: تعهد همکاری، متعهدله، متعهد، نقض قرارداد.

مقدمه

تعهد یک رابطه حقوقی یا وضعیت حقوقی است که یک طرف را ملزم به انجام فعل نفیاً یا اثباتاً می‌کند و به موجب آن شخص در برابر دیگری مکلف به انتقال، تسلیم مال و یا انجام دادن یا ترک کاری می‌شود، خواه سبب ایجاد آن رابطه عقد باشد یا ایقاع یا الزام قهری.^۱ در بسیاری از قراردادها اجرای صحیح و دقیق موضوع تعهد بدون همکاری متعهدله امکان‌پذیر نیست و باید متعهدله زمینه اجرای تعهد را فراهم آورده تا با انجام تعهد، متعهد نیز به عوض قراردادی دست یابد. به عنوان مثال اجرای تعهد معالجه و وکالت از سوی پزشک یا وکیل، بدون همکاری بیمار یا موکل ممکن نیست. این تکلیف در اقسام مختلف قراردادها و بسته به اوضاع و احوال حاکم و شرایط عقد، متغیر است؛^۲ بنابراین می‌توان گفت در هر قراردادی ممکن است متعهد به تنهایی نتواند مفاد آن را اجرا نماید و در پاره‌ای از موارد مستلزم همکاری و تعاون از سوی متعهدله باشد. حتی در یک قرارداد ساده تحویل کالا، چنانچه متعهدله از تحویل گرفتن آن خودداری ورزد یا مکان تخلیه را اعلام ننماید و متعهد نتواند کالا را تخلیه نماید، چه بسا ممکن است به عدم امکان اجرای کامل قرارداد منتهی و یا منجر به فساد کالا (در کالاهای سریع‌الفساد) یا ایجاد هزینه‌های گزاف (ناشی از نگهداری و دموراژ) و یا عقیم شدن قرارداد گردد.^۳ عقلاً و منطقاً و عرفاً اجرای قرارداد منوط به همکاری متعهدله است، ولی این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا همکاری متعهدله در اجرای قرارداد باید در قرارداد تصریح شده باشد و یا این که عقد متبانیاً بر آن امر منعقد شده باشد و یا از لواحق و لوازم عقد به شمار می‌رود که حتی بدون ذکر آن و صرفاً به تأیید عرف داخل در عقد محسوب است؟ (ماده ۲۲۵ ق.م.) گاهی ممکن است عدم همکاری متعهدله منجر به اطاله در اجرا، صعوبت در انجام، افزایش هزینه‌ها و یا ورود خسارت اعم از خسارت به متعهد، متعهدله و یا ثالث شود و از طرفی این همکاری گاهی به انجام فعل، ترک فعل، تسلیم کالا و یا اسناد، ارائه خدمات و اطلاعات تعبیر شود و در نتیجه، عدم همکاری، قرارداد را با چالش و اشکال مواجه سازد. به خصوص در مواردی که رابطه همکاری متعهدله و انجام تعهد اصلی توسط متعهد یک رابطه لازم و ملزومی به وجود بیاورد و چه بسا ضرر هنگفتی به شخص

۱. شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، حقوق تعهدات، چاپ اول، (تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۳)، ص ۲۱.

۲. اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد ۲، چاپ سوم، (تهران: نشر سمت، ۱۳۹۱)، ص ۳۲.

۳. شهیدی، مهدی؛ آثار قراردادهای تعهدات، چاپ سوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶)، ص ۴۵.

متعهدله به دنبال داشته باشد که جبران آن در آینده متعذر گردد. نظیر آنچه که در رابطه با وکالت دادگستری و در مرحله تجدیدنظرخواهی، موکل از پرداخت هزینه دادرسی در مهلت مقرر قانونی امتناع ورزد و حق تجدیدنظرخواهی خویش را از دست بدهد. یا مواردی که متعهدله لازم است اطلاعاتی به متعهد ارائه دهد و این کار را انجام ندهد. و یا موانع انجام تعهد را از سر راه بردارد و عدم انجام این کار باعث غیرممکن شدن یا سخت شدن موضوع تعهد شود.

در حقوق مدرن قراردادهای، تکلیف همکاری متعهدله در اجرای قرارداد امری مسلم و از ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌شود. مبنای چنین تعهدی علاوه بر حسن‌نیت، قرارداد، عرف و عادت و شرط ضمنی است که در حقوق ما نیز قابل استناد است. اثر نقض تکلیف همکاری همانند نقض تعهد اصلی است؛ از این رو می‌توان به اقسام ضمانت‌های اجرایی مانند الزام متعهدله به انجام تکلیف همکاری (ماده ۲۳۷ ق.م.)، مطالبه خسارت (ماده ۲۲۱ ق.م.)، فسخ قرارداد (ماده ۲۳۹ ق.م.)، انتقال تعهد (ماده ۲۲۲ و ۲۳۸ ق.م.) و سایر طرق متوسل شد و تعادل از بین رفته قرارداد را تا حدودی جبران نمود، اما نباید از نظر دور داشت که مسئولیت متعهدله در نقض تکلیف همکاری تنها محدود به مسئولیت مدنی عام او نخواهد بود.

تکلیف همکاری متعهدله را می‌توان در صورت امکان اجرا توسط متعهد، به وی منتقل نمود؛ لکن امکان محدود یا مستثنی کردن آن به طور کلی وجود ندارد؛ زیرا قرارداد را به یک قرارداد غیرواقعی بدل می‌سازد. چنین وظیفه‌ای در حقوق ایران به صراحت شناسایی نشده است، ولی بستر حقوق ما قابلیت شناسایی آن را دارد که ناهماهنگی‌های موجود را از بین ببرد. با این حال ضروری است قانون‌گذار بکوشد با الهام از قوانین مدرن و اسناد بین‌المللی، نسبت به تدوین مقرراتی در این زمینه مبادرت نماید.

هرچند با این وصف نیز فقدان الزامات و تکالیف برای متعهدله در اجرای قرارداد می‌باشد و فقدان نص صریح در این خصوص، روح حاکم بر نظام حقوقی، تضاد با ذات متعهدله بودن و فقدان ضمانت‌اجرایی برای برخی الزامات، جملگی نمایانگر فقدان تکلیف برای متعهدله و در نتیجه عدم مسئولیت وی در حقوق ایران است؛ امری که هیچ‌گاه به طور صریح در متون قانونی برخلاف حقوق برخی از کشورهای پیشرو در حقوق خصوصی از آن اثری یافت نمی‌شود. با این وجود مبانی اقتصادی و اجتماعی حقوقی قراردادهای، نظیر ضرورت حفظ

عدالت معاوضی و حفظ تعادل روانی قرارداد در رسیدن به سود مورد انتظار و مبانی اخلاقی به معنای لزوم رعایت اصل حسن نیت در اجرای قراردادها، مبانی فقهی چون قاعده لاضرر و اوفوا بالعقود و مبانی منطقی نظیر لزوم حفظ عدالت معاوضی و همچنین عرف قراردادی، الزامات و تکالیفی را برای متعهدله به رسمیت شناخته‌اند که نقض آن‌ها مسئولیت بار بوده و ضمانت‌اجراهایی در پی دارد. تعهد به ارائه اطلاعات، مطالبه تعهد، بازرسی کالا و پذیرش تعهد از الزام‌ها و تکالیف متعهدله حین اجرای قرارداد است. اولویت الزام، مذاکره دوستانه و اعمال به موقع حق فسخ از تکالیف وی در صورت عدم اجرای تعهدات بوده و مذاکره مجدد و فسخ قرارداد، الزامات او در صورت عقیم ماندن قرارداد به شمار می‌رود که نقض هر یک برای متعهدله مسئولیت بار و اثر مسئولیت وی ممکن است، محرومیت از حق، عدم استقرار حق، کاهش میزان حق، استقرار ولایت حاکم، الزام وی به انجام تکالیف و یا حتی پرداخت خسارت به متعهد یا ثالث باشد.^۱

در نظام حقوقی کامن‌لا به خصوص در حقوق انگلیس به تعهدات متعهدله پرداخته شده که در آن بین، به لزوم ارائه راهنمایی‌های لازم و ارائه اطلاعات اشاره مستقیم و مؤکدی می‌نماید و این حق را برای نظام قضایی جهت ایجاد مسئولیت برای متعهدله می‌داند که از این وظایف سر باز زده است. در این نظام، با اشاره به ترک فعل‌های مسئولیت‌آور از سوی هر دو طرف قرارداد به پیامدهای آن اشاره می‌نماید که در خصوص متعهدله، مسئولیت مدنی ترک فعل هموار نمودن اجرای تعهد و همکاری با متعهد در اجرای موضوع تعهد است.^۲

سؤالی که پیش می‌آید این است که در صورت عدم همکاری‌های لازم، متعهدله تا چه میزان مسئولیت دارد و آیا منجر به نقض قرارداد خواهد شد؟ بر این اساس، در این مقاله ضمن تشریح مبانی حقوقی این تکلیف، آثار نقض آن را به تفصیل به تصویر خواهیم کشید و به این موضوع خواهیم پرداخت که حقوق ایران و اروپا، همین‌طور کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ چه تمهیداتی را در پیش گرفته‌اند.

۱. تعریف و ماهیت تکلیف همکاری

۱. مهتاب پور، محمد کاظم؛ مینا و ماهیت تکالیف متعهدله در اجرای قرارداد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی (۱۳۹۴).

2. Follen, M and Janson, P, 2008, "Refusal Commitments of obligations in private contracts", *Gama Pub, London* ,p 28

تعهد در ادبیات حقوقی فارسی، معادل واژه «Obligation» قرار داده شده است. واژه‌ای عام و برگرفته از ادبیات لاتین که به تناسب متنی که در آن به کار رفته است، معانی بسیار گسترده و متنوعی پیدا می‌کند.^۱ می‌توان گفت اصطلاح تعهد در معانی الزام، عهد، ذمه، وظیفه و پیمان نیز به کار رفته یا آنچه یک شخص ملزم به فعل یا ترک آن است. همچنین در اصطلاح حقوقی، «وظیفه همکاری»^۲ به معانی اشتراک مساعی و تعاون نیز آمده است^۳ و در ترمینولوژی حقوق این اصطلاح عبارت است از یک رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضای عقد یا شبه‌عقد و یا به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا مکلف به انجام فعل یا ترک عمل معینی به نفع شخص یا اشخاصی معین می‌شوند، تعریف شده است.^۴ یکی از حقوق‌دانان برجسته ایرانی پس از آن که اوصاف اصلی تعهد را به رابطه حقوقی الزام‌آور تشریح می‌نماید و تعهد را به معنی خاص، التزام مالی برمی‌شمرد در جمع‌بندی نهایی معتقد است، تعهد، رابطه‌ای حقوقی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود، خواه سبب ایجاد آن، رابطه عقد باشد یا ایقاع یا الزام قهری.^۵ طبق این کاربردها و تعاریف، در فرهنگ حقوقی فرانسه نیز جوهر این واژه، الزام و تکلیف است که در مقابل حق و آزادی قرار می‌گیرد و چهره سلبی حق است. در تعریفی که در حقوق روم رایج بوده و به حقوق کشورهای دیگر نیز راه یافته است، از نظر منطقی نقش جنس و بلکه جنس بعید را دارد؛ زیرا همه مفاهیم پایه حقوقی برآمده از یک رابطه حقوقی و قانونی‌اند. از این رو تأکید بر رابطه حقوقی و قانونی بودن تنها به این مقدار مفید است که نشان می‌دهد این مفهوم مربوط به طرفین رابطه یا موضوع و متعلق رابطه و رابطه مستقیم بین شخص و شیء نیست و نمی‌توان آن را به مثابه فصل ممیز و ویژگی دقیق متمایزکننده آن از سایر مفاهیم دانست؛ بنابراین در این نظام حقوقی نیز این واژه به مفهوم الزام و تکلیف است؛ اگرچه تکلیف محض نیست. در ماده ۵/۳ پیش‌نویس اولیه قانون یکنواخت حقوق قراردادهای اوهادا^۱ نیز به‌طور صریح بیان شده است. در مواد

۱. دیلمی، احمد؛ «کالبدشناسی مفهوم تعهد»، فصلنامه دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۲، شماره ۴ (۱۳۹۸)، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

2. Duty of Cooperation

۳. رفیعی، محمد تقی؛ فرهنگ جامع حقوقی مجد، چاپ دوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴)، ص ۷۶۹ و ۷۷۰.

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ حقوق تعهدات، چاپ چهارم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵)، ص ۱۶۶.

۵. کاتوزیان، ناصر؛ نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲)، ش ۵۳.

6. OHADA

عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا | ربیعی و حجازی | ۴۵

مختلفی از جمله ماده ۱۰۴ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع^۱ از اصطلاح همکاری^۲ استفاده شده است.

باید اشاره کرد که منشأ تعهد همکاری، تکلیف یا وظیفه‌ای است که در نتیجه انعقاد یک قرارداد به وجود آمده است و کاربرد هر یک از اصطلاحات فوق در متون حقوقی و زبان اساتید و مقررات بین‌المللی در جای دیگری خللی به اصل بحث وارد نمی‌کند. با این وجود اصطلاح مورد بحث به طور مستقل در حقوق ما مورد تصریح واقع نشده است، اما می‌توان از پاره‌ای از قوانین به مصادیق آن وقوف پیدا کرد که به آن‌ها خواهیم پرداخت. بیشترین خاستگاه این تأسیس حقوقی در لابلای اسناد حقوقی اروپا و به تبع آن در حقوق کشورهای اروپایی قابل رصد است. در ماده ۱-۳-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۳، این تکلیف با عنوان «همکاری میان طرفین» و در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا^۴ تحت عنوان «وظیفه (تکلیف) همکاری»^۵ آمده است.

در حقوق بیشتر کشورهای کامن‌لا و حقوق نوشته، چنین تکلیفی اغلب با عنوان «تکلیف به همکاری و تعاون» ذکر شده است. در بسیاری از آرای محاکم انگلیس، آمریکا و استرالیا، وظیفه همکاری متعهدله مورد تأیید قرار گرفته و در حقوق آلمان، هلند، ایتالیا نیز این وظیفه برای متعهدله شناسایی شده است.^۶

به نظر برخی از حقوق‌دانان فرانسوی فارغ از مغاینه‌ای بودن ماهیت قراردادهای تجاری که هر یک از طرفین را وادار به پیگیری سود بیشتر در قرارداد می‌نماید، این وضعیت مورد توجه قرار گرفته است که رسیدن به منافع قراردادی و سود مورد انتظار در گروه همکاری بین آنها بوده و باید شرایط را برای اجرای قرارداد فراهم نمایند، به گونه‌ای که برخی از حقوق‌دانان فرانسوی قرارداد را به عنوان یک سند حقوقی همکاری میان طرفین در نظر گرفته اند.^۷

1. DCFR
2. Co-operation
3. Unidroit Principle of International commercial Contracts (UPICC)
4. The principle of European Contract Law
5. Duty to Co-operate

۶. شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران*، چاپ اول (تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۹)، ص ۱۱۲.

7. Diesse, F (1999) "le devoir de coopération comme principe directeur du contrat". *Arch. phil droit*. T43, p261

۱-۱. تعریف تکلیف همکاری

هرچند در قوانین و مقررات به طور مستقل، تعریفی از تکلیف همکاری ارائه نشده است، اما می‌توان گفت تکلیف همکاری، تکلیفی است که متعهدله در راستای اجرای قرارداد از سوی متعهد تا حدی که متعارف و معقول است، دارد و چنین تعهدی می‌تواند به نحو صریح یا ضمنی در نظر گرفته شود. در پیش‌نویس سومین بخش از اصلاحات و تکمیل اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی راجع به شروط قراردادی که هنوز به صورت رسمی منتشر نشده است، براساس پیشنهاد حقوق‌دانان فرانسوی، مقرر شده است که اگر طرف عقد برخلاف وظیفه حسن نیت یا معامله منصفانه یا همکاری، مانع اجرای شرط قراردادی شود، نمی‌تواند به عدم اجرای شرط استناد کند. این قاعده بیانگر همان قاعده کلی همکاری میان طرفین است که در ماده ۳-۱-۵ اصول مزبور بیان شده است. این وضعیت در حقوق ایران نیز وجود دارد. اگر معلوم شود عمل متعهدله سبب تمام یا قسمتی از خسارات وارده باشد، متعهد را نمی‌توان مسئول آن دانست.^۱ این مفهوم را می‌توان در ماده ۲۲۹ قانون مدنی دریافت که چنانچه عدم انجام تعهد به واسطه حادثه یا عاملی که خارج از حیطه اقتدار متعهد است، رخ داده باشد، محکوم به خسارت نخواهد شد. یکی از مصادیق خارج از اراده متعهد، می‌تواند عمل متعهدله باشد.

از دیگر مصادیق ضرورت همکاری متعهدله در اجرای تعهد را می‌توان در پاره‌ای از مواد قانون یافت. یکی از آثار عقد بیع تکلیف متعهدله (مشری) قبض مبیع و کالاست، همانطور که اقباض آن توسط متعهد (فروشنده) یک تکلیف است (ماده ۳۶۲ ق.م).^۲ شایان ذکر است چنین تکلیفی برای متعهدله را نباید با تعهد مشارکت در اجرای قرارداد اشتباه گرفت؛ مشارکت در اجرای قرارداد برای طرفین وظیفه اصلی قراردادی محسوب می‌شود، اما تکلیف متعهدله به همکاری در حقیقت زمینه‌ساز اجرای تعهدی است که متعهد مستقلاً و به تنهایی برعهده دارد که این امر برگرفته از قرارداد، عرف حاکم بر آن یا به حکم قانون است. تعهد دیگری که ممکن است با وظیفه همکاری متعهدله خلط شود، تعهد مستقل و متقابل متعهدله در مقابل متعهد است. به عنوان مثال، سفارش‌دهنده کالایی که مقرر شده مشخصات و اندازه کالای مورد نظر را به سازنده ارائه کند، خود مکلف به پرداخت بهای

۱. شهیدی، مهدی؛ سقوط تعهدات، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶)، ص ۷۶.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ حقوق تعهدات، چاپ چهارم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵)، ص ۱۹.

معامله است. چنین تعهدی ارتباطی به موضوع مقاله حاضر ندارد، بلکه در مثال مذکور تعهد سفارش دهنده به ارائه اوصاف و خصوصیات کالا تعهد همکاری وی فرض می‌شود؛ بنابراین تکالیف تصریح شده در قرارداد برای متعهدله به عنوان شروط قراردادی، با آنچه که ما از آن به عنوان تعهد متعهدله در فرض سکوت قرارداد به دنبال تحلیل آن هستیم، متفاوت خواهد بود. در حقیقت نفس تعهد همکاری به طور عام موضوع این تحقیق به شمار می‌رود، به گونه‌ای که هر نوع همکاری که زمینه اجرای تعهد اصلی قراردادی است را دربرمی‌گیرد. اعم از آن که در متن قرارداد به چنین تکلیفی تصریح شده باشد و یا قانون آن را بیان کرده و یا عرف عام و یا خاص یک منطقه و یا یک تجارت آن را لازم‌الرعایه بدانند.

۲-۱. مصادیق همکاری

در ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده هر طرف قرارداد، به منظور اجرای کامل عقد، مکلف به همکاری با طرف دیگر است. ماده ۳-۱-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان داشته است: «هر طرف عقد باید تا حدی که چنین وظیفه همکاری به نحو متعارف و معقولی برای اجرای تعهدات طرف دیگر مورد انتظار است، با طرف دیگر همکاری بنماید.» در ماده ۱۰۴-۱ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع نیز مقرر گردیده: «متعهد و متعهدله تا زمان و تا حدی که به نحو معقولی برای اجرای تعهد انتظار می‌رود، ملزم به همکاری با یکدیگر هستند.»

تکلیف همکاری، در کنوانسیون راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا^۱ مورد توجه قرار گرفته و استدلال شده است که بایع و مشتری در اجرای قدم‌های به هم پیوسته یک قرارداد بین‌المللی مکلف به همکاری با یکدیگرند هستند و این وظیفه عمدتاً مربوط به همکاری در خصوص قبول و پذیرش ایفای تعهد است. به موجب بند ۱ ماده ۶۵ این کنوانسیون، اگر تعیین شکل، اندازه یا دیگر جنبه‌های کالا به خریدار واگذار شده باشد و او از انجام چنین اختیاری خودداری نماید، فروشنده می‌تواند رأساً و براساس نیازهای خریدار این اقدام را انجام دهد و یا مطابق بند ۱ ماده ۳۸ این کنوانسیون، مشتری باید ظرف کوتاه‌ترین مدتی که با توجه به اوضاع و احوال عملاً ممکن باشد، کالا را بازرسی یا موجبات بازرسی آن‌ها را فراهم نماید و متعاقباً بر طبق بند ۱ ماده ۳۹ چنانچه ظرف مدتی متعارف، یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم

انطباق به بایع ارسال ننماید، حقّ او در استناد به عدم انطباق کالا ساقط می‌شود. مشابه این وضعیت در ماده ۳۹۱ قانون تجارت ایران نیز پیش‌بینی شده است. گیرنده مرسوله پس از دریافت آن از متصدی حمل و نقل فوراً و یا حداکثر تا هشت روز وظیفه دارد خسارات غیرظاهری وارده به مرسوله را به وی اعلام نماید و در صورتی که به این تکلیف خود عمل ننماید، متصدی حمل و نقل مسئولیتی در قبال گیرنده نخواهد داشت. این وظیفه برای حق‌العمل نیز در ماده ۳۶۱ قانون تجارت نیز وجود دارد.

تعهد خریدار به قبض کالا نیز یکی از مصادیق تعهد همکاری است که در ماده ۶۰ کنوانسیون مذکور بدان اشاره شده است. این تعهد شامل کلیه اقداماتی است که به طور معمول از وی انتظار می‌رود تا فروشنده را قادر سازد تحویل کالا را عملی کند.^۱ در بند ۲ ماده ۴۸ و بند ۳ ماده ۳۲ کنوانسیون نیز به نمونه‌های دیگری از همکاری اشاره شده است.

۲. منابع و مبانی حقوقی تعهد همکاری متعهدله
از قرارداد، عرف و عادت حاکم بر معامله یا محل انجام آن، اصول حقوقی مانند قاعده حسن نیت و قواعد فقهی مانند قاعده «لاضرر» و «اوفوا بالعقود» می‌توان به عنوان منابع و مبانی مختلف تکلیف همکاری متعهدله نام برد که به تفکیک به بیان آنها پرداخته می‌شود.

ممکن است در یک قرارداد بر اساس مذاکرات پیش‌قراردادی به لزوم همکاری متعهدله در ایجاد بستر مناسب اجرای تعهدات شرطی گنجانده شود که متعهدله را مکلف نماید در طول اجرای قرارداد با متعهد همکاری و مساعدت نماید. این شرط می‌تواند بدون تصریح در قرارداد بین طرفین توافق شده باشد، آنگاه که از مذاکرات پیش از قرارداد وجود شرط تبانی یا شرط ضمنی را بتوان احصا نمود. همچنین ممکن است عرف اقتضا نماید که انجام تعهد بدون همراهی و مساعدت متعهدله امکان‌پذیر نباشد. چنین عرفی اگر برای طرفین عقد شناخته شده باشد و آن‌ها از وجود آن مطلع بوده یا می‌بایست مطلع باشند، مانند تصریح در عقد است؛ زیرا تعهدی را می‌توان مطالبه کرد که به حکم قانون موجود باشد و مدیون به سببی از آن بری نشده باشد.^۲ چنین شرطی به حکم ماده ۲۲۵ ق.م. وجود داشته و در صورت عدم انجام آن توسط متعهدله موجب برائت متعهد از مسئولیت خواهد شد.

۱. صفایی، حسین و همکاران؛ حقوق بیع بین‌المللی، چاپ اول، (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ص ۳۰۲.

۲. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲)، ص ۲۷۰.

تعهد همکاری در شروط تعلیقی نیز مورد توجه قرار گرفته و در بند ۲۰۲-۱ و ۲۰۱-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده است که اگر طرف عقد برخلاف حسن نیت و وظیفه همکاری از تحقق شرط تعلیق جلوگیری کند، شرط مورد نظر تحقق یافته فرض می‌شود.^۱ در تشریح مبانی این تعهد به این سؤال پاسخ خواهیم داد که وجود چنین تعهدی بر چه اساسی استوار است و این که متعهدلهی که به ظاهر موضوع تعهد به نفع او در حال اجراست، چگونه باید مبادرت به اموری نماید و عدم توجه به آن، موجب تبعات حقوقی برای وی خواهد بود که در پاره‌ای از موارد نیز به از دست دادن تمام منافع قراردادی خواهد انجامید.

۲-۱. منابع تعهد همکاری

۲-۱-۱. منبع قراردادی

یکی از منابع مهم این تکلیف، قرارداد است. به بیان برخی از حقوق دانان، عنصر اصلی چنین تعهدی وجود رابطه قراردادی و بقای آن است،^۲ اما «منبع قراردادی»^۳ نیاز به درج صریح و ضمنی دارد که در بیشتر قراردادها چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود. بدین معنی که تکلیف همکاری متعهدله در بیشتر قراردادها مورد تصریح طرفین قرار نمی‌گیرد. در چنین وضعیتی باید به این سؤال پاسخ داد که آیا تکلیف یادشده مخصوص موردی است که در عقد بیان شده است یا در صورت عدم تصریح نیز چنین تکلیفی وجود دارد؟

در صورت تصریح به چنین تعهدی، قرارداد (اراده طرفین قرارداد) به عنوان منبع آن، مطرح می‌شود و در صورت عدم تصریح به آن و تحت شرایطی که بتوان تعهد مزبور را به اراده ضمنی طرفین نسبت داد نیز همان قرارداد می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در مواردی که تکلیف همکاری متعهدله در قرارداد تصریح می‌شود، تردیدی در نفوذ چنین تعهدی وجود ندارد، اما در صورت عدم تصریح، باید با توجه به اوضاع و احوال اعم از شرط ضمنی یا تبانی، حکم قضیه را روشن نمود.^۴ در قوانین بیشتر کشورها حکم صریحی

۱. شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران*، چاپ اول (تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۹)، ص ۹۶.

۲. شهیدی، مهدی؛ آثار قراردادهای و تعهدات، چاپ سوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶)، ص ۳۱.

3. Contractual Source.

4. APP.Cas.251, 263; Luxor (Eastbourne) Ltd v. Cooper (1941) AC 108 (HL)

در این باره وجود ندارد. برخی نویسندگان چنین تعهدی را ضمنی تلقی کرده‌اند.^۱ در حقوق هلند نیز چنین تعهدی را ضمنی دانسته‌اند.^۲

۲-۱-۲. منبع قانونی

«منبع قانونی»^۳ به عنوان یکی از منابع مهم و اساسی تکلیف همکاری شمرده می‌شود. قانون در فرض این تحقیق اعم از متون قانونی، منابع فقهی، اسناد و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. چه این که تأثیر همکاری و عدم همکاری در مسئولیت و عدم مسئولیت متعهد موضوع این بحث بوده و به آنها خواهیم پرداخت. منابع قانونی این تکلیف به شخص این قدرت را اعطا می‌نماید تا از دیگری انجام دادن امری را بخواهد و به همین جهت آن شخص را متعهد می‌نامند. در فقه به جای لغت تعهد، غالباً لفظ «شرط» به کار رفته است، خواه شرط ضمن عقد باشد که همان موضوع را شامل می‌شود و به لحاظ التزام متعهد، آن را شرط ضمن عقد گویند، خواه ضمن عقد نباشد که آن را برحسب اختلاف موارد «شرط بنایی یا شرط ابتدایی» گفته‌اند و همین‌طور لفظ الزام را به معنای تعهدی که بدون قرارداد حاصل می‌شود به کار برده‌اند. مانند الزامات خارج از قرارداد.^۴

در فقه به این موضوع پرداخته شده است که به امری که موجب تعهد می‌شود، منشأ تعهد گفته می‌شود، مثل عقد بیع که به موجب آن بائع باید مبیع را به تصرف مشتری بدهد و مشتری ثمن را به بائع پرداخت کند (مواد ۳۳۸ و ۳۶۲ ق.م.ایران)، ولی گاهی مدیون، بدون اراده خود، یعنی بدون اینکه قراردادی بین او و متعهد واقع شده باشد ملزم به امری می‌شود (مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ ق.م.ایران) که در این حالت ب جای اصطلاح تعهد، واژه الزام به کار برده می‌شود.^۵ در حقوق کشورهای اسلامی گاه تعهد و الزام به جای یکدیگر استفاده شده است. برای نخستین بار در قانون مدنی سابق کشور مصر از تعهد یاد شده، اما در قوانین جدید کشورهای عربی با عدول از به کارگیری این اصطلاح، واژه الزام به کار رفته است.

1. Busch, Danny (2002), "The Principles of European Contract Law and Dutch Law", *A Commentary, Kluwer Law International*.p60

2. Busch, Danny (2002), "The Principles of European Contract Law and Dutch Law", *A Commentary, Kluwer Law International*.p52

3. Legal Source.

۴. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد، (۱۳۷۲) مکاسب، ج ۲، چاپ اول، قم انتشارات دهقانی، ص ۲۷۵

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، چاپ چهارم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵)، شماره ۳۲.

این در حالی است که برخی برای افاده معنای دقیق، به کارگیری دو کلمه الزام و ضمان را با هم، جایگزین مناسبی برای تعهد می‌دانند.^۱

۲-۲. مبانی تعهد همکاری

۲-۲-۱. اصل حسن نیت

«اصل حسن نیت»^۲ در اجرای قرارداد به طور ضمنی وظیفه همکاری را میان طرفین برقرار می‌سازد. این اصل برگرفته از اخلاق بوده که همواره مورد تأکید و تأیید تمام حقوق دانان و نظریه پردازان حقوقی قرار گرفته است. ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه مقرر کرده بود، اما بخش تعهدات این قانون در سال ۲۰۱۶ اصلاح شد و مفاد این ماده در قانون جدید با پاره‌ای اصلاحات در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴، آمده است. ماده ۱۱۰۳ مقرر داشته: «قرارداد، قانون متعاقبین است» و ماده ۱۱۰۴ مقرر داشته: «مذاکره مقدماتی راجع به قرارداد، انعقاد آن و همچنین اجرای قرارداد باید با حسن نیت انجام گردد». قراردادها باید با حسن نیت اجرا شوند.^۳ دامنه حسن نیت دربرگیرنده تمام آثار حقوقی و تکالیف ناشی از قرارداد بوده که از منطوق قرارداد یا مفهوم عرف حاکم بر قرارداد و محتوای شرایط حاکم بر آن به دست می‌آید. به عنوان مثال، در انتشار یک کتاب، نویسنده باید پیش‌نویس‌ها را اصلاح و به ناشر عودت دهد تا اجرای تعهد از سوی ناشر میسر شود و یا در انجام معالجه توسط پزشک، بیمار باید دستورات پزشکی او را به دقت انجام داده تا وظیفه درمان از سوی پزشک به درستی صورت گیرد. براین اساس، محاکم فرانسه در برخی دعاوی، تعهد همکاری را بر مبنای حسن نیت مورد تأیید قرار داده‌اند.^۴ در حقوق ایتالیا نیز تکلیف همکاری متعهدانه مبتنی بر حسن نیت است. به موجب ماده ۱۳۷۵ قانون مدنی این کشور، قرارداد باید براساس حسن نیت اجرا شود. لازمه اجرای حسن نیت، اقدامات متنوعی است که یکی از آنها، وظیفه همکاری است.^۵

۱. کانتوزیان، ناصر؛ اعمال حقوقی؛ قرارداد و ایقاع، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۱)، ص ۳۵.

2. Good Faith

۳. شعاریان، ابراهیم؛ حقوق تعهدات، چاپ اول، (تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۳)، ص ۸.

4. Bar, Christian von & Clive, Eric & others (eds) (2009), "Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference", *Full Ed, Vol.1 & 2*.p688

5. Antonioli, Luisa & Veneziano, Anna (2005), "Principles of European", p59

همچنین مهم‌ترین مبنایی که برای تعهد همکاری در نظام حقوقی رومی-ژرمنی بیان شده، اصل حسن‌نیت است.^۱ در حقوق آلمان، رعایت حسن‌نیت در قراردادها در ماده ۲۶۲ قانون مدنی این کشور بیان شده و تکلیف همکاری متعهدله براساس حکم ماده مذکور، مورد تأیید قرار گرفته و این‌گونه اظهارنظر شده است که اصل حسن‌نیت اقتضا دارد طرفین قرارداد با یکدیگر همکاری نمایند؛ زیرا در برخی موارد، اجرای قرارداد از سوی متعهد به انجام پاره‌ای از اقدامات از سوی متعهدله وابسته است،^۲ به‌نظر برخی از حقوق‌دانان آلمانی، سکوت قانون‌گذار به‌معنای عدم شناسایی تعهد کلی متعهدله به همکاری در اجرای تعهدات طرف دیگر نیست، بلکه چنین قواعدی، اساسی و پذیرفته شده است و تصریح به آن لزومی ندارد.^۳ در حقوق کشورهای عربی، یکی از مصادیق رعایت حسن‌نیت در چهره تعهد به همکاری ظاهر شده است.^۴ بند ۱ ماده ۱۶۸ قانون مدنی مصر، بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون مدنی سوریه، بند ۱ ماده ۱۰۰ قانون مدنی عراق، بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون تجارت کویت و بند ۱ ماده ۱۳۹ قانون مدنی سودان با مضمونی واحد مقرر نموده‌اند که اجرای قرارداد باید با حسن‌نیت انجام پذیرد همین امر با عبارتی دیگر در ماده ۲۲۱ قانون تعهدات و عقود لبنان تأیید شده است.^۵

کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا، برخلاف نظام حقوقی رومی-ژرمنی، کمتر به حسن‌نیت پرداخته‌اند، هرچند در حقوق انگلیس اصل به تدریج مورد پذیرش واقع شده و در پاره‌ای از مقررات قانونی بدان تصریح شده است. در حقوق آمریکا، الزام به رعایت حسن‌نیت در اجرای قرارداد در ماده ۲۰۳-۱ قانون یکنواخت بازرگانی این کشور بیان شده است و در ماده ۲۰۵-۱، یکی از مصادیق رفتار خلاف حسن‌نیت، کوتاهی در وظیفه همکاری در نظر گرفته شده است. این وضعیت در اصول حقوق قراردادهای اروپا و همین‌طور در پیش‌نویس طرح مشترک مرجع و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ملاحظه می‌شود. ماده ۲۰۲-۱ اصول

۱. شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، «اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران»، چاپ اول (تبریز: نشر فروزش،

۱۳۸۹)، ص ۸

2. Markesinis, Sir Basil & others (2006), "The German Law of Contract", *A Comparative Treatise, Second ed, Hart Pub.*p128

3. Basedow, Jürgen (1995), "The Unidroit Principles of International Commercial Contracts and German Law". [available at: Cibinic J & others (2006) Administration of Government Contracts. 4th ed, U.S.A Kluwer pub,p5

۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۷۴)، «الوسیط فی شرح القانون المدنی»، ج ۱، دارالاحیاء التراث العربی، ص ۶۲۸

۵. فرج الصده، عبدالمنعم، (۱۹۷۴)، «نظریه العقد فی قوانین البلاد العربیه»، بیروت، دارالنهضة العربیه، ص ۴۷۳

عدم همکاری متعهدانه در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا | رفیعی و حجازی | ۵۳

حقوق قراردادهای اروپا به تکلیف همکاری متعهدانه اشاره نموده و ماده ۲۰۱-۱ به اصل حسن نیت و معامله منصفانه پرداخته است.

در حقوق ایران تا چندی پیش چیزی به عنوان اصل یا قاعده حسن نیت به چشم نمی خورد. هر چند مفهوم آن در لابلای متون قانونی کاملاً قابل درک و تشخیص بود، اما به آن تصریحی نداشت تا قانون‌گذار حکیم به تأسی از قوانین بین‌المللی و اروپایی با تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ وجود این قاعده را در حقوق ایران به رسمیت شناخت. در ماده ۳ این قانون مقرر داشت: «در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.» گویی قانون‌گذار مترصد فرصتی بود تا با تصریح به لزوم وجود این قاعده در حقوق ایران از مصادیق آشکار و پنهان آن پرده برداشته و بر تردید برخی از حقوق‌دانان و نزاع فی‌مابین خاتمه دهد. وجود چنین روزنه‌ای به توسعه آن در اصلاح قوانین و وضع قوانین جدید با در نظر داشت چنین قاعده‌ای بشارت می‌دهد. با این وجود سابقاً نیز مصادیق آن در سایر قوانین خبر از لزوم رعایت چنین اصلی را داده بود. با این حال برخی معتقدند حسن نیت در حقوق ایران به عنوان قاعده کلی به رسمیت شناخته نشده است؛^۱ بنابراین اگر در حقوق ایران وظیفه اجرای قرارداد بر اساس حسن نیت تأیید شود، می‌توان گفت قصور در وظیفه همکاری می‌تواند به عنوان نقض اصل حسن نیت تلقی شود، اما باید توجه داشت که عدم شناسایی چنین اصلی، نقصانی فاحش در حوزه تعهدات و قراردادهاست که زینده هیچ نظام حقوقی نیست، مصادیق متعدد نهی شارع از اعمال خلاف حسن نیت مانند نهی از غش، تغیر و تلقی رکان و تدلیس، دلالت بر توجه حقوق اسلام به این مفهوم و تأیید آن دارد.^۲

۲-۲-۲. عرف و عادت

«عرف و عادت»^۳ یکی از مبانی تعهدات قراردادی است. ماده ۲۲۵ قانون مدنی ایران، وجود عرف را به عنوان یکی از مبانی حقوق تأیید نموده و ماده ۲۲۰ نیز طرفین را به اجرای کلیه

۱. اصغری آفمشهدی؛ فخر الدین، حمید رضا ابوئی، حسن نیت در اجرای قرار داد در حقوق انگلیس و ایران، مجله

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲، (تابستان ۱۳۸۹) ص ۱۹

۲. موسوی بجنوردی، محمد؛ «نقش حسن نیت در عقود و قراردادهای در فقه و حقوق»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه تربیت معلم قرآن، سال دوم، شماره ۲ (۱۳۸۶)، ص ۷.

نتایجی که از عرف و عادت حاصل می‌شود، ملزم نموده است؛ از این رو، هرگاه انجام عملی از سوی طرفین قرارداد، متعارف و یا مبتنی بر عادت پیشین باشد، باید اجرا شود. در این میان وظیفه همکاری متعهدله نیز می‌تواند مبتنی بر عرف و عادت باشد. همان‌گونه که در ماده ۳-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان شده است، وظیفه همکاری هنگامی تحقق می‌یابد که به نحو متعارفی برای اجرای تعهدات متعهد، ضروری باشد. همین وضعیت در ماده ۱-۱۰۴ کتاب سوم از پیش‌نویس طرح مشترک مرجع ملاحظه می‌شود. در ماده ۷:۴۵۲ قانون مدنی هلند، همکاری بیمار با پرستار براساس آنچه که عرف اقتضا دارد، در اجرای قرارداد درمانی لازم تلقی شده است؛ بنابراین می‌توان گفت هرگاه در اجرای قرارداد از سوی متعهد، همکاری متعهدله براساس عرف ضرورت داشته باشد، چنین تکلیفی لازم‌الاجرا است.

۳-۲-۲. عدالت معاوضی

زمانی که به واسطه اراده آزاد و عاری از اجبار هر یک از طرفین، قراردادی به منظور بهره‌جویی و رسیدن به منافع مورد انتظار شکل می‌گیرد و با دانستن شرایط قانونی، آثار خود را به وجود می‌آورد و تعهداتی را که بالطبع برای هر یک از طرفین به وجود می‌آید، شرع و قانون اجرای این تعهدات را با وضع احکام مناسب صیانت می‌نماید. هر یک از طرفین نیز برای رسیدن به عوض قرارداد (منافع مورد انتظار) در صدد اجرای تعهدات خود برمی‌آیند. در حقیقت این عدالت معاوضی است که هر یک از طرفین را در پای‌بند بودن به شرایط قرارداد وادار می‌نماید تا چنانچه به دنبال منافع خود باشد، خللی در اجرای قرارداد به وجود نیارد. قرارداد مجموعه‌ای از تعهدات و وظایف زنجیره‌واری است که اگر یکی از آنها اجرا نگردد، اجرای کل قرارداد را با چالش و توقف روبه‌رو خواهد نمود. تفاوتی ندارد که متعهد در اصطلاح قراردادی به آن تکلیف مشخص عمل نمایند و یا متعهدله به وظایف قراردادی، قانونی، عرفی و منطقی خود عمل ننموده، وسیلهٔ اخلال در اجرا گردد؛ زیرا چنانچه متعهدله نیز به دنبال منافع قراردادی باشد، باید وظایف خود از جمله همکاری در اجرای قرارداد را به لباس انجام بیاراید و عدالت معاوضی اقتضا می‌نماید که انجام تکلیف فوق بر متعهدله فرض و واجب باشد و اگر انجام ندهد مسئولیت نقض جزئی و یا کلی بر عهده او قرار گیرد.

در شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، ذیل ماده ۲۰۲-۱ به این نکته توجه و بیان شده است که تکلیف همکاری متعهدله هنگامی وجود دارد که متعهد، منفعی در اجرای آن داشته باشد. به عنوان مثال، هرگاه پرداخت حق‌الزحمهٔ پیمانکار، فرع بر اجرای کامل

قراردادی است که بدون همکاری متعهدله ممکن نیست، متعهدله مکلف به همکاری است، مانند موردی که احداث ساختمان نیازمند اخذ مجوز با اقدام متعهدله است.^۱ همچنین ذیل همین ماده، امتناع متعهدله از قبول کالای فروخته شده، اعم از آنکه ثمن پرداخت شده یا نشده باشد، نقض وظیفه همکاری تلقی شده است؛ زیرا در چنین وضعی فروشنده ناگزیر است زحمت نگهداری مبیع و هزینه‌های آن را تحمل نماید.^۲

اما هرگاه عدم پذیرش اجرا، هیچ‌گونه زیانی به متعهد وارد ننماید، عدم اقدام متعهدله، نقض وظیفه همکاری تلقی نمی‌شود. به‌عنوان مثال، می‌توان به بند ۲ ماده ۴۸ کنوانسیون بیع اشاره نمود که در صورت قصور متعهد در اجرای تعهد، به موجب ماده ۴۸ می‌تواند قصور تعهد خود را به هزینه خود جبران نماید، مشروط بر این که موجب زحمت و هزینه اضافی برای مشتری ایجاد ننماید در این خصوص بائع باید از مشتری درخواست نماید تا نظر خود را در خصوص این که آیا ایفاء تعهد توسط بائع را خواهد پذیرفت یا خیر اعلام نماید و چنانچه مشتری ظرف مدت معقولی این درخواست را اجابت ننماید بائع می‌تواند ظرف مدت منعکس در درخواست خود، تعهدش را ایفاء نماید. در این فرض عدم انجام تعهد پاسخ‌گویی متعهدله موجب خسارت متعهد نخواهد شد. نمونه دیگری که در حقوق فرانسه مطرح شده، منافع موجد در اطلاع یافتن از عیوب اساسی عین مستأجره است؛ زیرا با انجام چنین تکلیفی از سوی متعهدله (مستأجر)، موجد می‌تواند مورد اجاره را تعمیر و از وقوع خسارت به اموال خود جلوگیری نماید.^۳

یا در مثال دیگری هرگاه خریدار بلیط هواپیما یا تور گردشگری به درخواست مؤسسه مسافرتی از مراجعه و دریافت بلیط و اسناد رزرو هتل^۴ خودداری ورزد، نتیجه این عدم همکاری به ورود خسارت به متعهد منتهی نمی‌گردد.

در هر دو فرض فوق اعم از آن که عدم همکاری متعهدله منجر ورود خسارت به متعهد شود و یا این نتیجه را دنبال نکند، منافع متعهدله وابسته به انجام همکاری وی بوده و ضرورت

1. Lando, Ole & Beale, Hugh (2000), "The Principles of European Contract Law", Part I and II, Kluwer Law International.p119

2. Lando, Ole & Beale, Hugh (2000), "The Principles of European Contract Law", Part I and II, Kluwer Law International.p119

3. Weill, A. & Terré, F. (1986), "Droit Civil: Les Obligations", 4th edn, Paris, Dalloz.p300

4. Voucher

آن به وضوح معلوم است. تنها تفاوتی که در ملاحظه دو فرض فوق می‌توان دید لزوم جبران خسارت متعهد در فرضی که عدم انجام تعهد منتهی به ورود خسارت به وی می‌شود.

۳. آثار نقض تعهد همکاری

هریک از متعهد و متعهدله در انجام وظایف قراردادی قصور ورزد^۱ و اجرای قرارداد را نافرجام بگذارد با یکی از آثار نقض مواجه می‌شود اعم از این که نقض تعهد موجب عدم اجرای کامل قرارداد شود یا موضوع قرارداد به طور ناقص اجرا گردد و یا با تأخیر همراه باشد. در هر یک از این صور ممکن است برای طرفین قرارداد و موضوع آن آثاری را به دنبال داشته باشد. بطلان، فسخ، انفساخ، انتقال تعهد یا ضمان، مطالبه خسارت و اجرای عین تعهد را می‌توان از پیامدهای نقض تعهد دانست. در این نوشتار به تعهدی خاص که همانا تعهد متعهدله به همکاری در اجرای قرارداد است اشاره داریم که آثار نقض آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر برخی، تکلیف همکاری نیز یک تعهد است و مانند سایر تعهدات، نقض آن طرف دیگر را محق می‌سازد تا به طرق مختلف ضمانت اجرای نقض متوسل شود. برخی از اقسام ضمانت‌های اجرایی با یکدیگر قابل جمع بوده و در صورت نقض وظیفه همکاری از سوی متعهدله می‌توان به طرق گوناگون متوسل گردیده و به عنوان مثال ضمن فسخ قرارداد، خسارت وارد شده را نیز مطالبه نمود.

در شرح رسمی ماده ۲۰۲-۱ اصول حقوق قراردادهای اروپا بیان شده، نقض تکلیف همکاری علاوه بر این که متعهد را از اجرای تعهد معاف می‌سازد، به او اجازه می‌دهد که به قرارداد پایان داده و خسارت وارده را نیز وصول نماید؛ زیرا وضعیت به وجود آمده معلول اقدام متعهدله بوده و نمی‌تواند در برابر عدم اجرای تعهد از سوی متعهد، وی به ضمانت اجرای قراردادی متوسل شود.^۲

1. Breach of Contract.

2. Lando, Ole & Beale, Hugh (2000), "The Principles of European Contract Law", Part I and II, Kluwer Law International.p119

۱-۳. الزام متعهدله به همکاری^۱

براساس قواعد حقوقی، ضمانت اجرای اولیه نقض قرارداد، اجرای عین تعهد^۲ است که نقطه Z ظهور آن در مواد ۲۳۷، ۳۹۵ و ۴۷۶ ق.م. مشاهده می‌شود. علاوه بر آن اجرای عین تعهد به هزینه و حساب متعهدله در قالب انجام آن توسط متعهد و یا ثالث نیز یکی دیگر از مصادیق آن به شمار می‌رود. به عنوان مثال هرگاه خریدار از قبول کالا خودداری نماید، فروشنده می‌تواند به استناد ماده ۲۷۳ ق.م. موضوع تعهد را به حاکم تسلیم نموده و از تعهد بری شود. چنانچه یک تاجر ایرانی برای خرید ماشین آلات تولید لبنیات از یک کارخانه آلمانی روش «EXW»^۳ را برای اجرای قرارداد برگزیند باید وسیله حمل را در جلوی درب کارخانه آماده نماید تا فروشنده بتواند تعهد خود را در تحویل و تسلیم کالا عملی سازد. نظیر آن چه که در بند «ح» ماده ۳۱ کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است. در صورتی که مشتری وسیله حمل و نقل تهیه ننماید، اجرای تعهد تا انجام آن معلق مانده و ممکن است فروشنده اعلامیه‌ای برانجام این تعهد به خریدار ایرانی ارسال نموده و مدتی متعارف را برای آن در نظر بگیرد تا چنانچه خریدار به اجرای عین تعهد عمل ننماید از سایر الزامات نظیر مطالبه خسارت یا فسخ و مانند آن بهره‌بردار. ^۴ الزام به اجرای عین تعهد به عنوان اولین ضمانت اجرای نقض عهد در ماده ۶۲ کنوانسیون در نظر گرفته شده است. بایع به موجب این ماده ناظر بر بند ۱ ماده ۶۱ می‌تواند در صورت عدم تأدیه ثمن، قبض مبیع و یا عدم ایفای سایر تعهدات، انجام هر یک از آنها را از مشتری بخواهد مگر این که به یکی از طرق جبران خسارت که با این درخواست وی منافات داشته باشد، متوسل شده باشد.

۲-۳. انحلال قرارداد

«انحلال قرارداد»^۵ یکی از ضمانت‌اجراهای نقض تعهدات به شمار می‌رود. این واژه در معنای عام خود هر عنوان حقوقی که رابطه حقوقی بین متعهد و متعهدله را زایل می‌کند، شامل شده

1. Performance.

2. Specific performance.

5. EX WORK: An EXWorks Incoterm is an agreement that maximizes the buyer's risk and responsibility,

۴. حجازی، سیدحسین؛ اجرای عین تعهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان (۱۳۸۸)، ص ۶۸.

5. Dissolution of the Contract.

و وابسته به اسباب مختلفی است که هر یک از طرفین می‌تواند با استناد به آن موجبات انحلال و فروپاشی عقد یا قرارداد را به وجود آورد.

۱-۲-۳. فسخ و انفساخ قرارداد^۱

طرفین قرارداد می‌توانند در حدود قوانین، نتیجه پیمان‌شکنی را در قرارداد تصریح کنند، از جمله اینکه توافق کنند هرگاه یکی از آنان از انجام تکلیف همکاری خودداری نماید، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را داشته باشد. چنین حق فسخی علاوه بر آنکه اجرای قرارداد را تضمین می‌نماید، به متعهد حق می‌دهد تا در مواجهه با نقض تکلیف همکاری، بدون آنکه علت قانونی برای فسخ قرارداد جست‌وجو کند، به قرارداد خاتمه دهد. در صورتی که شرط انفساخ عقد مورد توافق قرار گیرد، هم‌زمان با وقوع نقض تکلیف همکاری، قرارداد به صورت خودکار منحل خواهد شد و به روابط قراردادی طرفین خاتمه خواهد داد، ولی انحلال قرارداد مانع از استناد طرفین به مطالبه حقوق خود در قرارداد نخواهد بود. همچنین فسخ قرارداد به دلیل نقض تکلیف همکاری تحت شرایطی در برخی از اسناد بین‌المللی مانند ماده ۳۰۱-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا شناسایی شده است. طبق ماده ۴۵ قانون تعهدات سوئیس، اگر موضوع تعهد تسلیم کالا باشد، در صورت استنکاف طلبکار از قبول آن، بدهکار می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.^۲ در حقوق ما امکان فسخ ابتدایی قرارداد توسط متعهد به هنگام نقض تکلیف همکاری از سوی متعهد پیش‌بینی نشده و این حق پس از یأس از الزام به انجام تعهد یا عدم امکان اجرای آن توسط متعهد یا ثالث قابل اعمال خواهد بود است. طبق ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی ایتالیا، اگر متعهد له بدون سبب قانونی ایفایی که صورت گرفته را قبول نکند، مقصر تلقی می‌شود.^۳

۲-۲-۳. سقوط حق

یکی دیگر از آثار نقض تکلیف همکاری سقوط حق^۴ است. این اثر بسته به زمان و مکان و شرایط نقض و این که در چه مرحله‌ای از اجرای قرارداد قرار دارند متفاوت خواهد بود و

1. Termination of the Contract.

۲. واحدی، جواد، ترجمه قانون تعهدات سوئیس، چ اول، تهران (نشر میزان، ۱۳۷۸)، ص ۳۷

3. Antonioli, Luisa & Veneziano, Anna (2005), "Principles of European", p59.

4. Collapse of Rights.

نتیجه حدافلی این وضعیت، سقوط حقّ مراجعه به متعهد در خصوص عدم اجرای تعهد قراردادی است. طبق بند ۱ ماده ۳۸ کنوانسیون مشتری باید ظرف کوتاه‌ترین مدتی که با توجه به اوضاع و احوال عملاً ممکن باشد کالا را بازرسی یا موجبات بازرسی آنها را فراهم نماید و چنانچه مشتری در ظرف مدت متعارفی پس از این که عدم انطباق کالا را کشف کرد یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم انطباق جهت بایع ارسال نکند، حقّ او در استناد به عدم انطباق کالا ساقط می‌شود. همین نتیجه را می‌توان در عدم ارسال یادداشت وجود حق یا ادعای ثالث نسبت به کالای ارسالی را در ماده ۴۳ ملاحظه نمود که حق استناد به مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون را از دست خواهد داد و یا سقوط حقّ مطالبه خسارت در صورت عدم پاسخ به استعلام بایع در خصوص قبول ایفا تعهد در بند ۲ ماده ۴۸ و یا سقوط حقّ اقامه دعوا در خصوص عدم انطباق کالا در صورت آگاهی از آن در هنگام انعقاد قرارداد در بند ۳ ماده ۳۷ به مشتری تذکر داده شده است. در حقوق ایران مصادیقی از این وضعیت را می‌توان برشمرد. مواد ۳۶۱ قانون تجارت در سقوط حقّ مراجعه حق العمل کار به متصدی حمل و نقل در صورت وجود عیوب ظاهری و عدم اعلام آن و ماده ۳۹۱ همان قانون در سقوط حقّ مراجعه دریافت کننده مرسوله در صورت وجود عیوب غیرظاهری و عدم اعلام آن به متصدی حمل و نقل و یا ماده ۲۷۳ قانون مدنی در سقوط حقّ مراجعه صاحب حق به متعهد به دلیل امتناع وی از قبول آن و یا ماده ۳۸۷ قانون اخیرالذکر درباره سقوط حق مراجعه مشتری به دلیل عدم قبول مبیع از سوی مشتری و مراجعه بایع به حاکم یا قائم مقام او از جمله آثار عدم همکاری متعهدله و سقوط حقّ مراجعه مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. در رویه قضایی دادگاه‌های ایران نیز به آرای برمی‌خوریم که سقوط حقّ مراجعه به متعهد در خصوص برخی از تعهدات نظیر خسارات را به موجب عدم همکاری متعهدله، تأیید می‌نماید. در دعوی خریدار یک دستگاه آپارتمان، دادخواستی به طرفیت فروشنده مبنی بر الزام به تنظیم سند رسمی و پرداخت وجه التزام ناشی از عدم انجام تعهد فروشنده در خصوص حضور در دفترخانه در موعد مقرر را داشته و فروشنده نیز دادخواست متقابل بر مطالبه تنمّه ثمن معامله و خسارات ناشی از عدم پرداخت این وجه را می‌دهد. رئیس شعبه ۱۰۴ دادگاه حقوقی تهران طی دادنامه ۰۰۲۲۰ فروشنده را محکوم به الزام به تنظیم سند رسمی و پرداخت وجه التزام ۱۵ درصد از ثمن معامله می‌نماید و دادخواست متقابل فروشنده به لحاظ تهاتر خسارت و تنمّه ثمن معامله محکوم به بطلان می‌نماید، اما شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان

تهران با صدور دادنامه شماره ۱۳۱۸-۹۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۳۰ ضمن تأیید محکومیت فروشنده به تنظیم سند رسمی، آن قسمت از دادنامه را که فروشنده محکوم به پرداخت وجه التزام عدم حضور در دفترخانه شده بود را با این استدلال که پرداخت تتمه ثمن معامله از سوی متعهدله در وقت مقرر انجام نشده و دلیلی بر این امر وجود نداشته و این اقدام، موجب سقوط تعهد فروشنده بر حضور در دفترخانه و سقوط حق مطالبه خسارات وجه التزام مقرر در قرارداد می‌شود. در دادنامه دیگری که شعبه ۱۹۱ دادگاه حقوقی تهران به شماره دادنامه ۱۱۵۰-۹۳۰ مورخ ۹۳/۳/۲۶ صادر نموده است، خواسته خواهان که طرف قرارداد با سازنده بوده است را مبنی بر مطالبه خسارات روزانه ناشی از تأخیر در انجام تعهد ساخت، به این دلیل که متعهدله خود مانع اجرای قرارداد شده و شهود تعرفه شده به آن گواهی نموده‌اند را رد نموده و اجرای تعهد و استحقاق خسارات تأخیر را منوط به همکاری متعهدله (عدم کارشکنی و ایجاد مانع) دانسته است و این رأی نیز در شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است.

۳-۲-۳. ابطال قرارداد

«بطال قرارداد»^۱ همواره یکی از سخت‌ترین نتایجی است که در پایان ناخوش یک قرارداد رقم می‌خورد. هر یک از طرفین به قصد سود بردن از قرارداد تمام مساعی خویش را مصروف داشته تا با اجرای آن به سود مورد انتظار دست پیدا کنند. معمولاً بطلان به عنوان آخرین ضمانت اجرای نقض شروط و تعهدات قراردادی در نظر گرفته می‌شود، چه این که بطلان نتیجه عدم رعایت مقررات آمره قانونی باشد، قانون‌گذار نیز در صورت عدم رعایت شرایط بنیادین و اساسی یک قرارداد آن را در نظر می‌گیرد و یا در صورت نقض اساسی یک قرارداد و یا عدم اجرای شروط بنیادین آن قرارداد اتفاق می‌افتد. ماده ۲۵ کنوانسیون نقض اساسی را این‌گونه تعریف نموده است. «نقض قرارداد توسط یکی از طرفین هنگامی نقض اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم کند». بر اساس همین تعریف در بند «الف» ماده ۶۴ کنوانسیون که به موارد بطلان قرارداد می‌پردازد، مقرر داشته در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود. از دیگر موارد بطلان ماده ۲ کنوانسیون است که چنانچه

1. Cancellation of the Contract.

مشتری در مدت اضافی مندرج در بند ۱ ماده ۶۳ ثمن را تأدیه نکند یا کالا را قبض ننماید، بایع می‌تواند قرارداد را باطل کند. در حقوق ایران موارد ابطال قرارداد را می‌توان در نقض شروط اساسی صحت عقد در مواد ۱۹۰ قانون مدنی به بعد یافت. قصد و اراده واقعی در ساختن یک عقد نقش اساسی را بازی می‌کنند. چنانچه پس از انعقاد عقد معلوم گردد متعهد یا متعهدله قصد واقعی از انجام عقد را نداشته‌اند و یا یکی از شرایط اهلیت استیفا را از دست داده‌اند و به همین دلیل انجام تعهد و یا پذیرش آن از سوی متعهدله با موانع قانونی مواجه گردد، نظیر قرارداد با سفیهی که سفاقت وی بر طرف مقابل معلوم نبوده است، به حکم مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مدنی قابل ابطال است. متعهدله‌ای که نمی‌توانسته قرارداد منعقد نماید و یا قرارداد را اجرا کند و تعهد قراردادی به دلیل فقد شرایط قابلیت انجام را از دست داده است، می‌تواند قابل ابطال و یا حتی بدون اراده دیگری باطل باشد.

۳-۳. انتقال تعهد^۱

در مواردی که متعهدله از انجام تعهد همکاری خودداری کند و اجرای آن توسط متعهد ممکن باشد، می‌توان مقرر نمود که اجرای تکلیف همکاری به متعهد منتقل شده و هزینه‌های ناشی از این انتقال نیز مشخص شود. چنین اثری می‌تواند مبتنی بر قانون یا توافق طرفین باشد. به موجب بند ۱ ماده ۶۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین اگر تعیین شکل، اندازه یا دیگر جنبه‌های کالا به خریدار واگذار شده باشد و او از انجام چنین اختیاری خودداری نماید، فروشنده می‌تواند رأساً و براساس نیازهای خریدار این اقدام را انجام دهد. انتقال تعهد در حقوق ایران را می‌توان به ماده ۲۳۸ ق.م. ارجاع داد که می‌گوید چنانچه اجبار متعهد به انجام فعل مورد تعهد ممکن نباشد، ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج متعهدله موجبات انجام آن فعل را فراهم کند؛ بنابراین رد صورت عدم همکاری متعهدله در انجام تعهدات قراردادی و یا قانونی و امکان انجام آن‌ها توسط متعهد و یا ثالث، تعهد به هزینه متعهدله به متعهد و یا ثالث منتقل می‌گردد.

1. Transfer of Commitment.

۴-۳. انتقال ضمان

در ماده ۶۹ کنوانسیون پیش‌بینی شده است از تاریخی که کالا در اختیار مشتری قرار می‌گیرد و به لحاظ قصور در قبض مرتکب نقض قرارداد می‌شود ضمان معاوضی به او منتقل می‌گردد. با «انتقال ضمان»^۱ به مشتری، وی مسئولیت تلف یا زیان وارده به کالا را مطابق با ماده ۶۶ کنوانسیون بر عهده خواهد داشت؛ بنابراین یکی دیگر از آثار نقض تکلیف همکاری می‌تواند انتقال ضمان معاوضی باشد، به گونه‌ای که منافع وی را در فروض مربوطه به خطر انداخته در حالی که او هیچ تسلطی بر مابه‌ازای قرارداد در اختیار ندارد تا بر اساس مصالح شخص خود از آن منتفع یا به درستی از آن محافظت نماید. در حقوق ایران می‌توان به قاعده تلف مبیع قبل از قبض اشاره نمود. به موجب ماده ۳۸۷ قانون مدنی، چنانچه بعد از عقد و قبل از قبض مبیع توسط مشتری، مبیع تلف گردد، عقد منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد. ولی در صورتی که بایع برای تسلیم مبیع به مشتری مراجعه کرده و او از قبول و تسلیم مبیع امتناع نماید و بایع به حاکم و یا قائم مقام او مراجعه نموده باشد، ضمان تلف مبیع قبل از قبض به موجب قسمت اخیر ماده مذکور به مشتری منتقل و مبیع از مسئولیت تلف مبیع قبل از قبض مبرا می‌گردد.

۵-۳. مطالبه خسارت

یکی از آثار عدم همکاری و نقض این تکلیف، حق «مطالبه خسارات»^۲ برای متعهد است. در صورتی که عدم همکاری متعهد^۳ در اجرای قرارداد منجر به ورود خسارت به متعهد گردد، از جمله زمان اجرای تعهد طولانی و هزینه اجرا افزایش یابد و یا در قرارداد به صرف نقض تعهد، خسارتی پیش‌بینی شده باشد اعم از خسارات واقعی و یا وجه التزام قراردادی، در این صورت متعهد می‌تواند به منظور کاهش آسیب‌های مالی و یا جریمه اقتصادی در مورد وجه التزام به متعهد^۴ مراجعه نماید.

1. Warranty Transmission.
2. Demand of Damages.

۱-۵-۳. خسارت قراردادی^۱

وجود تعهد همکاری متعهدله بر اساس هر مبنایی باشد سبب ایجاد انگیزه بیشتر برای متعهد در ورود به قرارداد و قبول تعهدات آن است و متعهد با دلگرمی به پشتوانه همکاری متعهدله بار تعهدات را بر دوش می‌کشد، ولی همواره نگرانی‌هایی نیز وجود دارد. برای ایجاد تعادل نسبی و حفظ عدالت معاوضی در قرارداد ممکن است طرفین پرداخت خسارت را در صورت نقض تمام یا بخشی از تعهدات پیش‌بینی نمایند. خسارت گاهی به تعیین میزان، نوع و شرایط بروز آن و تناسب مقدار و حجم آن با نتیجه نقض همراه است و گاهی فارغ از هر گونه مقیاس و محاسبه‌ای به طور مقطوع تعیین می‌شود. به نظر برخی از حقوق‌دانان برجسته آلمانی، تجاوز و تخطی از وظیفه همکاری سبب می‌شود که متعهد، استحقاق مطالبه خسارت را پیدا نماید.^۲ در بند ۱ ماده ۶۴۲ ق.م. آلمان پیش‌بینی شده است در صورتی که در جریان تولید کالا انجام عملی از سوی مشتری ضرورت داشته باشد و او همکاری ننماید، تولیدکننده می‌تواند خسارت متعارفه را مطالبه نماید. حسب شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، در صورت نقض تکلیف همکاری می‌توان به هریک از اقسام ضمانت‌اجراها متوسل شد. قانون‌گذار ایرانی خود را پای‌بند به ضرورت جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد می‌بیند و در ماده ۲۲۶ ق.م. وجود آن را تأیید می‌نماید. کنوانسیون نیز در پاره‌ای از مقررات خود به ضرورت حق مطالبه خسارت پرداخته است و حتی به عدم تنافی حق مطالبه آن با الزام به انجام عین تعهد در ماده ۶۲ اشاره می‌نماید. مطالبه خسارت به عنوان یک اصل منطقی و حق مسلم مدنی در شرایطی که حتی بین طرفین قراردادی وجود ندارد، پذیرفته شده است و در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی با احراز سه شرط (وقوع خسارت، تحقق فعل زیانبار و رابطه سببیت بین آن دو)، آن را قابل مطالبه می‌دانند. بر همین اساس حتی با فرض عدم تصریح به آن در بسیاری از قراردادها که اجرای قرارداد بدون همکاری طرف مقابل امکان‌پذیر نیست نیز در صورت عدم اقدام متعهدله، متعهد استحقاق مطالبه خسارت را دارد.

1. Contractual Damages.

2. Zimmermann, Reinhard (2002), "Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Contract", *Saggi, Roma, Conferenze E Seminari*.p23

۲-۵-۳. وجه التزام قراردادی^۱

طرفین قرارداد همواره این نگرانی را داشته که طرف دیگر قرارداد در ابتدا یا اثنای قرارداد از انجام تعهدات خود شانه خالی نموده و شرایط ناگواری را بر قرارداد حاکم نمایند. شرایطی نظیر از دست دادن فرصت تجارت یا اتلاف وقت و صرف هزینه در دادخواهی و مراجعه به مرجع قضایی یا داوری و لطمه به حیثیت شغلی و حرفه‌ای خود در ورود خسارات معنوی. از این رو شاید تصور نمایند جبران خسارت از طرق معمول خصوصاً آن که جبران خسارت معنوی با صعوبت همراه است، نتوانند به خسارات واقعی ناشی از چنین نقضی دست پیدا نمایند. به همین جهت به درج شرط وجه التزام در قرارداد روی می آورند. بسیار اتفاق می افتد که اشخاص به دو دلیل عمده از همان ابتدا یعنی هنگام عقد قرارداد در خصوص میزان مسئولیت و طرق جبران آن اتخاذ تصمیم می کنند. نخست، جلوگیری از نقض عهد دیگری و کاهش نزاع؛ دوم، تسهیل در امر رسیدگی به آن و تقلیل بار اثبات. از معایب درج چنین شروطی آن است که احتمال دارد طرفین در تشخیص مصداق همکاری نظر واحدی نداشته باشند. البته می توان تا حد امکان مصداق همکاری را در متن قرارداد گنجانند، با این توضیح که حتی در فرض تصریح به مصداق نیز نباید آنها را حصری تلقی نمود و تکمیل آن را به عرف و عادت و اوضاع و احوال مسلم قضیه وانهاد. حقوق ایران با پیروی از یک قاعده مشخص، هر امری را که به حکم عرف از تکالیف طرفین قرارداد به حساب آورد برای طرفین مانند شروط مصرحه در عقد لازم الوفا می داند. ماده ۲۲۵ قانون مدنی به چنین الزامی اشاره صریحی دارد. سایه سنگین عرف و عادت را در سایر تکالیف قراردادی طرفین می توان در مواد دیگر ملاحظه نمود. در ماده ۲۲۰ همان قانون، متعاملین به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت حاصل می شود ملزم شده‌اند و یا در ماده ۲۲۱ نیز تعهد عرفی به منزله تعهد قراردادی ارزش و اعتبار پیدا کرده است. اقتضائات عرفی نیز در ماده ۲۸۰ در انجام تعهد معتبر شناخته شده است. در بندهای ۱ و ۲ ماده ۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا چنین مقرر شده است که «طرفین ملتزم به هرگونه عرف و عادت مورد توافق و روه معمول فیما بین می باشند». «فرض بر این است که طرفین عرف و عادت را که نسبت به آن وقوف داشته‌اند یا می باید وقوف می داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین الملل کاملاً شناخته شده و طرفین قراردادهای مشابه در آن نوع تجارت خاص به طور منظم آن را رعایت می کنند، به نحو

1. Consideration

عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا | رفیعی و حجازی | ۶۵

ضمنی بر قرارداد فیما بین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند، مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.»

۳-۵-۳. مسئولیت مدنی^۱

مطابق اصول کلی ادله اثبات، متقاضی جبران خسارت، مکلف به ارائه و اثبات شرایط و جهات مقرر بر وقوع تخلف و مسئولیت مدعی علیه است. حال در فرضی که متعهدله در اجرای تعهد، مکلف به همکاری شده باشد، این همکاری ممکن است به طرق زیر صورت گیرد.

در حقیقت، تعهدات مستقر بر ذمه متعهد دارای گستره واحدی نیست؛ بلکه محتوای آنها، به تفاوت قراردادها، متفاوت است. این امر را می‌توان به تعهدات متعهدله در زمینه تعهد همکاری نیز سرایت داد. گاه متعهد، تحقق منظور نهایی از عقد را تقبل می‌نماید و گاه صرفاً متعهد می‌شود که همه سعی و کوشش خود را برای حصول عمل به کار برد. برای اولین بار ژان دموگ، بر اساس این دوگانگی محتوای تعهدات، با اعمال تقسیمی در این زمینه، اصطلاحات «تعهد به وسیله» و «تعهد به نتیجه» را برای تبیین تفاوت نحوه اثبات مسئولیت و تمیز این دو مقوله پیشنهاد نمود؛ لذا برای دریافتن اینکه متعهد قراردادی، تحقق نتیجه را تقبل نموده است یا بذل سعی بر تحقق آن را، لازم است که محتوای تعهد شناخته و دریافت شود.^۲

در حالی که تعهدات مذکور در قانون مدنی، به تعهد انجام و خودداری از انجام عمل و یا تسلیم و تأدیة مال منقسم شده، متضمن هیچ دلالتی در خصوص کیفیت اثبات مسئولیت متعهد قراردادی نیست. تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه، به لحاظ توضیح نحوه اثبات مسئولیت قراردادی، دارای بهره عملی فراوانی است.^۳

1. Civil Liability

۲. تفرشی، عیسی؛ مرتضوی، عبدالحمید، «مطالعه تطبیقی تعهد به وسیله و نتیجه در فقه و حقوق فرانسه

و ایران»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال پنجم، شماره ۱ (۱۳۹۲) ص ۳۳

۳. نجومیان، حسین، «زمینه حقوق تطبیقی در نظام‌های حقوقی اسلام، فرانسه، انگلیس و روسیه»، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰ (۱۳۷۳)، ص ۴۷.

حال سؤال اساسی این است که آیا مدعی (متعهد) می‌تواند به اظهار عدم تحقق نتیجه منظور که ناشی از عدم همکاری خود متعهدله بوده به عدم انجام نتیجه مزبور بسنده کند یا باید ارتکاب خطا از ناحیه متعهدله و وجود عامل مستقیم در تعهد همکاری را نیز اثبات نماید؟ زمانی که موضوع تعهد از مقوله «تعهد به نتیجه» است، صرف عدم تحقق نتیجه موجب مسئولیت متعهد بوده و نامبرده، جز در صورت اثبات علتی از علل معاف‌کننده، مکلف به جبران خسارات وارده به متعهدله خواهد بود. از این قبیل است تعهد انتقال مالکیت، یا احداث ساختمان یا تعهد تأدیة وجه.

بر خلاف تعهد به نتیجه، موضوع «تعهد به وسیله» عبارت است از «اعمال کوشش پیوسته و اتخاذ تدابیر بایسته برای وصول به هدف منظور» در واقع، در این مقوله از تعهدات، متعهد جز ایجاد شرایط معقول برای تحقق نتیجه و سعی و کوشش مقبول برای نیل به هدف تکلیف دیگری ندارد؛ لذا صرف عدم تحقق نتیجه منظور برای اثبات مسئولیت متعهد کافی نبوده و متعهدله یا خسارت‌دیده باید وجود خطا یا ارتکاب اشتباهی در نحوه عمل طرف قرارداد را هم اثبات نماید.^۱

نمونه معروف قراردادهای متضمن این مقوله از تعهد، قرارداد منعقدہ بین پزشک و بیمار است. با این قرارداد، پزشک مکلف به اعمال همه آگاهی‌ها و به‌کارگیری همه توانایی‌های خویش برای معالجه بیمار است و نه ارتفاع علت و اعاده سلامت او. چون گستره تعهد پزشک در اختیار نهادن همه امکانات برای شفای بیمار است، بهبود نیافتن بیمار یا شدت بیماری و نیز حتی فوت او، مثبت عدم ایفای تعهد پزشک نبوده و موجب مسئول دانستن او نمی‌باشد.^۲

۶-۳. اعمال حق حبس

یکی از روش‌هایی که نظام حقوقی اسلامی برای مقابله با نقض اجرای تعهد پیش‌بینی کرده، «حق حبس»^۳ می‌باشد که مهم‌ترین دلیل حجیت حق حبس بنای عقلا است. از این موارد استظهار می‌شود که حق حبس، مختص بیع نیست، بلکه شامل کلیه عقود معوض می‌شود که در آنها تعهدات طرفین متقابل است. در عقود معوض، هر طرف قرارداد،

1. Demouge, R (1931), "Traité des obligations en general", t. IV, No 29, Paris. p33

۲. کاتوزیان، ناصر؛ اعمال حقوقی؛ قرارداد و ایقاع، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۱)، ص ۵۴.

3. the right of imprisonment

برای دستیابی به عوض که ممکن است تسلیم کالا یا انجام عملی باشد، اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند.

متعهدله موظف است طبق عرف و عادت یا تعهدات ضمنی با رعایت اصل حسن‌نیت، هر آنچه لازمه اجرای تعهد از سوی متعهد است و در قلمروی تکلیف همکاری می‌گنجد، انجام دهد. با این حال، چنین تعهدی مانند هر تعهد دیگر، مشمول قواعد حق حبس قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که اگر تعهد همکاری متعهدله مقدمه اجرای تعهد طرف مقابل باشد، استناد به حق حبس ممکن نیست، اما چنانچه انجام تعهد همکاری موکول به پرداخت هزینه آن از سوی طرف مقابل باشد، مادامی که هزینه پرداخت نشده، می‌توان از انجام تکلیف همکاری به استناد حق حبس خودداری نمود. متعهد برابر مقررات کنوانسیون می‌تواند در صورت عدم انجام تعهدات متعهدله از حق حبس بهره‌بردار.

در شرح رسمی اصول حقوق قراردادهای اروپا، ذیل ماده ۲۰۲-۱ بیان شده است که اگر وظیفه همکاری وابسته به تعهد اجرانشده طرف مقابل باشد، متعهدله می‌تواند از حق حبس استفاده نموده و تکلیف همکاری را نادیده بگیرد.^۱ در شرح رسمی پیش‌نویس طرح مشترک مرجع نیز بیان شده است که در تعهد همکاری نیز می‌توان به حق حبس استناد نمود و آن را موکول به اجرای تعهدات طرف مقابل کرد.^۲

باید توجه داشت که اگر همکاری متعهدله مقدمه اجرای تعهد طرف مقابل باشد، استناد به حق حبس توسط او ممکن نیست، اما چنانچه انجام تعهد همکاری موکول به پرداخت هزینه آن از سوی طرف مقابل باشد، مادامی که هزینه پرداخت نشده، می‌توان از انجام تکلیف همکاری به استناد حق حبس خودداری کرد.

نتیجه

وقتی قراردادی شکل می‌گیرد اجرای آن قرارداد وابسته به همکاری تمامی اطراف آن بوده و محصول قرارداد زمانی برای طرفین به دست می‌آید که متعهد و متعهدله، شرایط اجرای آن را فراهم کرده و به‌طور کامل آن را اجرا نمایند؛ زیرا تحقق محصول نهایی قرارداد، هر دو

1. Lando, Ole & Beale, Hugh (2000), "The Principles of European Contract Law", *Part I and II, Kluwer Law International*.p121

2. Bar, Christian von & Clive, Eric & others (eds) (2009), "Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law", *Draft Common Frame of Reference, Full Ed, Vol.1 & 2*.p687

طرف را به عوض قراردادی می‌رساند. با بررسی مبانی، احکام و آثار و مطالعه برخی از آرای قضایی دادگاه‌های ایران متوجه شدیم بین تعهد اصلی و تعهد همکاری متعهدله تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا عدم اجرای قرارداد می‌تواند معلول هر یک از آنها بوده و طرفین را از رسیدن به منافع مورد انتظار محروم نماید؛ بنابراین متعهد می‌تواند به استناد عدم همکاری متعهدله علاوه بر آنکه به فسخ و انحلال قرارداد یا سقوط حق برای رفع مسئولیت خود متوسل شود، به استناد قواعد مسئولیت مدنی و احراز تقصیر، از عدم دستیابی به منافع و عوض قرارداد، به مطالبه خسارت روی آورد. به نظر می‌رسد مداخله متعهدله در بروز خلل و ایجاد مانع در اجرای قرارداد و عدم همکاری وی در انجام وظایف قانونی، قراردادی و عرفی در ایجاد مسئولیت برای وی و رفع مسئولیت از متعهد یکسان باشد. اگرچه در حقوق ما بحث مداخله متعهدله در عدم اجرای عقد بیشتر مورد توجه قرار گرفته که نتیجه آن، رفع مسئولیت متعهد می‌باشد، نه استحقاق او به مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد و نظایر آن. لکن تکلیف همکاری و ضمانت اجرای عدم انجام آن بر اساس قواعد مسلم عقلی و منطقی از یک طرف و حاکمیت عرف و عادت که بخشی از یک قرارداد به‌شمار می‌رود از سوی دیگر صحه بر تأیید آن در منظر قانون‌گذار دارد که البته باید بر توجیه و تفصیل آن تلاشی مضاعف داشت.

در خصوص قبض کالا توسط مشتری که می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق تکلیف همکاری به‌شمار آید، هر دو چهره حق و تکلیف ملاحظه می‌شود. به موجب ماده ۳۷۶ ق.م. «در حصول قبض، اذن بایع شرط نیست و مشتری می‌تواند مبیع را بدون اذن قبض کند. ظاهر این ماده بیانگر استحقاق مشتری در قبض است. در عین حال قبض وظیفه مشتری نیز به‌شمار می‌رود.

در ادبیات حقوقی ایران اشاره صریح به تعهد همکاری متعهدله در اجرای قرارداد نشده و رویه قضایی هم با آن بیگانه است، اما در حقوق کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی راجع به قراردادها، مورد تأیید واقع شده و آثار نقض تکلیف مزبور که فراتر از موضوع عدم مسئولیت متعهد است، تبیین شده است. ماده ۱۳۰ لایحه پیشنهادی قانون تجارت مقرر داشته است: «با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمونله مکلف به پذیرش آن است، و گرنه ضمانت منتفی می‌شود».

بنابراین تکلیف همکاری به‌عنوان یک وظیفه اساسی در اسناد بین‌المللی، حقوق اروپایی و اکثر کشورهای اروپایی و امریکایی که در هر دو نظام رومی-ژرمنی و کامن‌لا قرار دارند،

عدم همکاری متعهدانه در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا | رفیعی و حجازی | ۶۹

پذیرفته شده و موضوع حق و تکلیف قرار گرفته و با استقرای در مقررات و آرای نویسندگان داخلی می‌توان گفت که تکلیف همکاری متعهدانه در حقوق ایران قابل شناسایی است و عرف و عادت، اصل حسن نیت و عدالت معاوضی می‌تواند به عنوان مبانی آن در نظر گرفته شود. با این حال تصویب مقرراتی خاص در این زمینه ضرورت دارد تا آثار و نتایج نقض چنین تعهدی را تبیین نماید.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mohammad Taghi Rafiei



<http://orcid.org/0000-002-6373-4082>

Seyed Hossein Hejazi



<http://orcid.org/0000-002-7347-9038>

منابع

الف) فارسی

- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، *حقوق تجارت بین‌الملل*، جلد ۲، چاپ سوم، (تهران: نشر سمت، ۱۳۹۱).
- اصغری آقمشهدی؛ فخرالدین، حمید رضا ابونئی، «حسن نیت در اجرای قرار داد در حقوق انگلیس و ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۲، (تابستان ۱۳۸۹)
- انصاری، شیخ مرتضی بن محمد، مکاسب، ج ۲، چاپ اول، قم انتشارات دهقانی، (۱۳۷۲)
- تفرشی، عیسی؛ مرتضوی، عبدالحمید، «مطالعه تطبیقی تعهد به وسیله و نتیجه در فقه و حقوق فرانسه و ایران»، *فصلنامه فقه و مبانی حقوق*، سال پنجم، شماره ۱ (۱۳۹۲)
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، چاپ چهارم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵).
- حجازی، سیدحسین، *اجرای عین تعهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان (۱۳۸۸).
- دیلمی، احمد، «کالبدشناسی مفهوم تعهد»، *فصلنامه دانشنامه‌های حقوقی*، دوره ۲، شماره ۴ (۱۳۹۸).
- رفیعی، محمدتقی، *فرهنگ جامع حقوقی مجد*، چاپ دوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴).
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، «الوسیط فی شرح القانون المدنی»، ج ۱، دارالاحیاء التراث العربی، (۱۹۷۴).
- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، *حقوق تعهدات*، چاپ اول، (تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۹۳).

- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران*، چاپ اول (تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۹).
- شعاریان، ابراهیم، «تعهد به همکاری متعهدله در اجرای قرارداد»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره هشتم، شماره اول (۱۳۹۰).
- شعاریان، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد، «انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۱ (۱۳۹۳).
- شهیدی، مهدی، *سقوط تعهدات*، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶).
- شهیدی، مهدی، *آثار قراردادهای و تعهدات*، چاپ سوم، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶).
- صفا، محمدعلی، «حق حبس»، *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*، شماره ۲۰ (۱۳۸۸).
- صفایی، حسین و همکاران، *حقوق بیع بین‌المللی*، چاپ اول، (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶).
- کاتوزیان، ناصر، *اعمال حقوقی؛ قرارداد و ایقاع*، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۱).
- کاتوزیان، ناصر، *نظریه عمومی تعهدات*، چاپ دوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲).
- فرج الصده، عبدالمنعم، «نظریه العقد فی قوانین البلاد العربیه»، بیروت، دارالنهضة العربیه، (۱۹۷۴).
- موسوی بجنوردی، محمد، «نقش حسن نیت در عقود و قراردادهای در فقه و حقوق»، *فصلنامه حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تربیت معلم قرآن، سال دوم، شماره ۲ (۱۳۸۶).
- مهتاب پور، محمد کاظم، *مبنا و ماهیت تکالیف متعهدله در اجرای قرارداد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی (۱۳۹۴).
- نجومیان، حسین، «زمینه حقوق تطبیقی در نظام‌های حقوقی اسلام، فرانسه، انگلیس و روسیه»، *مجله وقف میراث جاویدان*، شماره ۳۰ (۱۳۷۳).
- واحدی، جوادی، ترجمه قانون تعهدات سوئیس، چ اول، تهران (نشر میزان، ۱۳۷۸).

In persian:

- Akhlaghi, behruz; Imam, Farhad, *Laws of International Trade, Volume 2, 3rd Ed*, (Tehran: Samt Publishing, 2011)
- Asghari Aghmshahdi; Fakhruddin, Hamid Reza Aboui, "Good faith in the implementation of contracts in British and Iranian law," *Journal of Faculty of Law and Political Science, Volume 2*, (Summer 2019)
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, *Laws of Obligations, 4th edition*, (Tehran: Ganj Danesh Library, 2015)
- Hejazi, Seyyed Hossein, *Implementation of the same commitment*, Master's thesis, Kashan University (2008)

- Deilmi, Ahmed, "Anatomy of the concept of obligation", *Legal Encyclopedias Quarterly*, Volume 2, Number 4 (2018)
- Rafiei, Mohammad Taqi, *Majd's comprehensive legal encyclopedia*, 2nd ed, (Tehran: Majd Publications, 2014)
- Shoareyan, Ibrahim; Torabi, Ebrahim, *Laws of Obligations*, 1st ed, (Tehran: Shahr Danesh Publishing House, 2013)
- Shoareyan, Ibrahim; Torabi, Ebrahim, *Principles of European contract law and Iranian law*, 1st ed (Tabriz: Farozesh Publishing House, 2010)
- Shoareyan, Ebrahim, "Commitment to the cooperation of the obligee in the execution of the contract", *Journal of Private Law*, Volume 8, Number 1 (2010)
- Shoareyan, Ibrahim; Rahimi, Farshad, "Material compliance of goods with the contract in the Convention on the International Sale of Goods", *International Legal journal*, No. 51 (2013)
- Shahidi, Mehdi, *The Fall of Obligations*, 4th ed, (Tehran: Majd Publications, 2016)
- Shahidi, Mehdi, *Works of Contracts and Commitments*, 3rd ed, (Tehran: Majd Publications, 2016)
- Safa, Mohammad Ali, "The Right to Imprisonment", *Jurisprudence and History of Civilization Quarterly*, No. 20 (2008)
- Safaei, Hossein et al., *International Sales Laws*, 1st ed, (Tehran: Tehran University Press, 2016)
- Katouzian, Nasser, *legal practices; Contract and Iqaa*, 3rd ed, (Tehran: Mezan Publishing House, 1371)
- Katouzian, Nasser, *General Theory of Obligations*, 2nd ed, (Tehran: Mizan Publishing, 2012)
- Mousavi Bojnordi, Mohammad, "The role of good faith in contracts and contracts in jurisprudence and law", *Quarterly Journal of Law and Political Science*, University of Tarbiat Moalem Al-Qur'an, 2nd year, number 2 (2006)
- Mahtabpour, Mohammad Kazem, *the basis and nature of obligations of the obligee in the execution of the contract*, Master's thesis, University of Judicial Sciences (2014)
- Nojumian, Hossein, "The field of comparative law in the legal systems of Islam, France, England, and Russia", *Waqf Magazine of Legacy*, No. 30 (1373)

ب) انگلیسی

- Antoniolli, Luisa & Veneziano, Anna, *Principles of European* (2005)
- Busch, Danny, *The Principles of European Contract Law and Dutch Law, A Commentary*, *Kluwer Law International*. (2002)

- Banakas, S, Liability for Contractual Negotiations in English Law, In Dret. (2009)
- Bar, Christian von & Clive, Eric & others (eds), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law, Draft Common Frame of Reference, *Full Ed, Vol.1 & 2*. (2009)
- Basedow, Jürgen, The Unidroit Principles of International Commercial Contracts and German Law. [available at: Cibinic J & others (2006) *Administration of Government Contracts. 4th ed, U.S.A Kluwer pub*(1995)
- Demouge, R, *Traité des obligations en general, t . IV , No 29, Paris*. (1931)
- Diesse, F le devoir de coopération comme principe directeur du contrat. *Arch.phil droit. T43*(1999)
- Follen, M and Janson, P, Refusal Commitments of obligations in private contracts, *Gama Pub, London*,(2008)
- Honnold J.o Uniform Law for International sales under the 1980 United Nation Convention *2d U.S.A Kluwer* (1991)
- Lando, Ole & Beale, Hugh, The Principles of European Contract Law, *Part I and II, Kluwer Law International*. (2000)
- Mac Queen, H.L. Good faith in Contract and Property, *A.D.M. 4th ed U.S & Canada*, Hart Pub(1999)
- Markesinis, Sir Basil & others, The German Law of Contract, *A Comparative Treatise, 2nd ed*, Hart Pub. (2006)
- Weigand, T.A, The Duty of Good Faith and Fair Dealing in Commercial Contracts in Massachusetts, *Massachusetts Law Review*, Spring. (2004)
- Weill, A. & Terré , F., *Droit Civil: Les Obligations*, 4th ed, Paris, *Dalloz*. (1986)
- Zimmermann, Reinhaard, Breach of Contract and Remedies under the New German Law of Contract, *Saggi, Roma, Conferenze E Seminari*(2002)

استناد به این مقاله: رفیعی، محمدتقی و حجازی، سید حسین. (۱۴۰۱). عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا. پژوهش حقوق خصوصی، (۳۹)، ۱۰-۳۹. doi: 10.22054/jplr.2022.58197.2520



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.